

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ وَكَانَ
يُرِيدُ أَنْ يَمْلِكَ أَنْ يَنْزِلَ بِهِ السَّمَاءَ بِمِثْقَاتِ الْمِيزَانِ

سید محمد اسحاق کمالی اصفهانی در ثبوت خلافت بالبرهان

بِأَشْهَادِ الْخَلْقِ بِالْأَمَانِ
وَأَشْهَادِ الْبُكْرَى بِالْبُرْهَانِ

از تصنیفات عالم ربی واصل فی دینی سرگودره علی محمد آقا در حقیقت

مطبع و مطبعه علی حقیقت
مطبع و مطبعه علی حقیقت

مخالف میل طبیعت خود داشت بلکه این روش و اطوار نزد فقیه
 مکروه و مکروه می نمود لیکن آخر الامر روی از مردمان اهل تشیع همی این
 علی جان که با فقیه ابطه سلام علیکم هم میداشت و دو کانش اثنای راه
 غریبانه فقیه و مسجد واقع شده است و اکثر اوقات اتفاق میروا و دور
 فقیه قریب دو کانش می افتاد و وزی از روزها سوال در باب
 متعه از فقیه نمود که کجاست متعه را حضرت جایز فرمود و خلیفه ثانی در عهد
 خود آنرا حرام کرد و خلاف حکم حضرت نمود چنانچه در صحیح بخاری و مسلم
 که اصح کتب سینان از موجود است فقیه جواب داد که جناب ساکت است
 صلی الله علیه و سلم و الاخر ائله و متعه را حکم حلال فرموده بود و بعد از آن
 هر دو را منسوخ ساخته حکم حرام نمود و آن کسان که جز حکم حرمت نرسیده
 بود و خلیفه ثانی در عهد خود ایشانرا خبر داد و مطلع ساخت نه که از جانب خود
 حکم حرام فرمود مطلب صحیح اینست و آنچه که شما فیهه اید محض غلط و
 بی اصل است چون طرف ثانی ساکت شد بعد از آن فقیه هم سوال کرد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ
هَدَانَا اللَّهُ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ
الْمُبْعُوثِ بِالْمُجَرَّبَاتِ وَالْكِتَابِ الْكَرِيمِ وَعَلَى آلِهِ وَاصْحَابِهِ
خُصُوصًا عَلَى الْخُلَفَاءِ الَّذِينَ قَامُوا بِصِرَاطِ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ
أَلَيْسَ بِغَيْرِ شَرِّهِمْ وَالصَّافِ بِذِيهِمْ وَبِغَيْرِ كَيْفٍ وَتَجِبُ مَبَادِ
كَهَذَا مِنْ أَهْلِ الْعِبَادَةِ وَأَهْلِ الْعِلْمِ وَالْطَلَبَةِ فِيهِمْ عَنَّا عَزَّ وَجَلَّ وَارْزُقْ
سَالِكِي سَبِيلِهِ كَمَا سَكُنَتْ دَرَجَاتُ سُلَيْمَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَارْزُقْ
بِهَيْئَتِهِ دَرَسَ وَتَدْرِيسَ بَابِهِ وَكَرَامَتِهِ بِحُثِّهِ وَتَقَرُّرِهِ بِالْإِلَهِيَّةِ

فلا جرم کلام الحق یکلؤ ولا یعلی آیت مثبت حق و مزین شک و شبهه
 تسوید و تحریر نموده حواله ایشان نموده شد اینست باعث تحریر و تسطیر
 و این نوشته را مدت دو سال شده است لیکن هنوز جواب
 معقول کسی ندادند از این رساله سمی باثبات انحراف است
 بالقرآن و اسکات المنکیرین بالبرهان گردید پس
 التماس از ارباب بلاغت و بصارت و فقیهین آنکه نظر را از ساحت
 فصاحت الفاظش باز داشته اصل مدعی امینی را ملاحظه فرمایند چه که
 فقیه در تحریر عبارت فارسی چندان مهارت ندارد و الله اعلم
 اقول وکیل چه میفرمایند علماء امامیه در آیت سوره نوره پیشگوینگان
 قرآن و معجزات و دلائل ثبوت نبوت جناب رسول مقبول صلی الله
 علیه و سلم است و شان نزول آن اینست که فقرای مهاجرین بعد از
 هجرت مدینه در منازل انصار جای گرفتند و قریش با آنکه اکثر از قبائل
 عرب که گرد یکدیگر و شیرب بودند بر محاربه ایشان اتفاق نموده شب روز

که خلافت را شما منکر هستید و حال آنکه خلافت از آیت قرآن که در سوره
 نور موجود است ثابت است بلکه از پیشین گوئیهای قرآن و معجزات
 سید المرسلین است و آنکه منکر خلافت است منکر قرآن است و حکم منکر
 قرآن ظاهر و باهر است چونکه طرف ثانی علم نداشت طلب تحریر مضمون
 آیت نمود که از علماء و مجتهدین خود جوابش بسیار دقیقه اگر چه در آن وقت
 وعده تحریر نمود لیکن بعد از آن چند روز انماض و تساهل
 و رزید باین خیال که درین زمانه تحریر و تقریر محض ناسود است
 چرا که این قصه کمنه را بزرگان دین و پیروان راهیقین بارها ثبت و
 تازه نموده اند مگر احدی از اهل تشیع براه صدق و صفا داد دین متین نداد
 و از مرکب نفسانیت و مالحق شناسی و پاسداری مذہب آبا و اجداد
 فرو نیفتاد من در چه جایم که در تحصیل حاصل دم بزم آخر کار طرف ثانی
 پیش و بگریشیان هم تذکره نمود و او شان هم در پی طلب تحریر شدند
 و بار بار تقاضای تحریر نمود حتی که بطور استهزا و خنده سلام علیکم کردند آن غلام نموند

لَا يُشْرِكُونَ فِي شَيْءٍ أَوْ مِنْكُمْ

مشرك مقرر كنند با من چيز را و هر كه پاسي كند

بعك ذلك فاولئك هم الفاسقون

بعد انوين پس انجماعه ايشانند فاسقان

يعني درين آيت حق سبحانه تعالی برای رسول مقبول صلی الله علیه وسلم

وامحاب و چند چيز وعده فرمود و خبر داد كه ايشانرا عطا خواهد كرد اول وعده

خلافت در زمين كفار از عرب و عجم چنانچه خليفه نمودني اسرائيل را در ملك مصر

و شام بعد جابر و حضرت داود عليه السلام را كه ياد اود انا جعلناك

خليفه في الارض و اود است ثمانى وعده كمين و تثبيت و قرار دادن

دين و شريعت جناب رسول مقبول صلی الله علیه وسلم كه مضمي و مقبول و پسيد

خدا است و تا لكش وعده از ان خوف از ايشان كه از كفار

و اعدا در دين بود ايشانرا و هم ارشاد فرمود كه اين همه نعمتها از جهت

صدق و خلوص عبادت ايشانست و بعد از ان خبر داد كه هر كسان

پیناهمای تندید آینه و سخنان فتنه انگیز میفرستادند مهاجرین
 اکثر اوقات سلاح با خود داشتندی و روزگاری به بیهوشی اس
 میگذرانیدندی روزی بایکدیگر گفتند آیا زمانی بر ما در آید که خود را
 این وطن بشنیم و بفرانگت خاطر بر بساط سلامت و عافیت بنشینیم
 پس من سبحانه تعالی برای تسکین و تسکین ایشان این آیت بطور
 وعده نازل فرمود و سوگست بخورد که هر آئینه ایشان را خلیفه
 گرداند و در زمین کف را از عرب و عجم چنانچه ارشاد فرمود و
 وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ
 فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْنَا فِيهَا آلَ آدَمَ وَكَانُوا قُلُوبًا غَافِلِينَ
 و در زمین چنانکه خلیفه را بخواهند بود و آثار پیش از ایشان بودند و البته بمانند ایشان این نشان را
 الَّذِي فِي يَمِينِهِ زَيْنُ الْقَبْرِ وَفِي يَمِينِهِ زَيْنُ الْقَبْرِ وَفِي يَمِينِهِ زَيْنُ الْقَبْرِ
 که پسندیده است برای ایشان و بتجلیل کند در بار و ایشان بجای ایشان این آیت را بگویند

دیگر هم هستند چنانچه در سوره فتح ارشاد فرمود وَعَدَاكُمْ اللَّهُ مَغْلَبَةً
 کَثِيرَةً تَأْخُذُ وَهَهَا چنانکه غنائیم کثیره در زمانه خلفا حاصل
 شده است و بعد از آن کس را امید نشد و با وجود این حکم نهی
 و امن و امان غافل از عبادت معبود خود و مشغول بملک و مال
 و متاع دنیوی نبوده اند چنانچه حق سبحانه تعالی خود خبر داد که یَعْبُدُونَ
 لَكُثْرَ مَعُونٍ بِشَكٍّ و در سوره فتح هم فرمود وَ لَهَا كُفْرٌ
 صَرَاطًا مُسْتَقِيمًا همین طور تابست و چهار سال مابین ایشان
 می گذرانیدند و بعد از آن اول کسانی که کفران و ناسپاسی این بندگان
 کردند و فساد و راهم را انان انداختند قاتلان حضرت عثمان رضی الله
 بودند و مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ
 اشاره بسوی ایشان است و بعد از خلفای راشدین هر چه زمانه
 منطبق نمی آید زیرا که از لفظ مَنكَر و از آیت وَعَدَاكُمْ اللَّهُ
 معاند کثیره تَأْخُذُ وَهَهَا ظاهر و صاف معلوم می گردد

که کفران و ناسپاسی این نعمتها خواهند و در زید پس آن گروه از
 فاسقان خواهند بود پس این آیت را مطابقت و مصداق
 ضرورت است که این همه اخبار با کدام زمانه واقع شده است چرا که
 حق سبحانه تعالی خلاف وعده خود هرگز بنی سازد و چنانچه می فرماید
 إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْلِفُ الْمِيعَاتِ پس ایفای و انجام از این وعده ها
 در کدام زمانه بوده است و از کدام کس ادا شده است
 پس نزد اهل سنت و جماعت ایفای این وعده ها و در
 این نعمتها در زمانه خلافت خلفاء راشدین مهدیین رضوان الله
 علیهم اجمعین بوده است زیرا که همه موعود و موعود علیه فی زمانه
 مجتمع و منطبق شده اند و ظهور اثر وعده خلافت حق سبحانه تعالی
 چنان شد که بر ایشان هیچ خوف و خطری کسی نماند بلکه همه اعدای دین را
 به تیغ کرده جمیع ملک و مال و خزائنهای ایشان از روم و شام
 و ایران تحت تصرف خود آوردند و این نعمتها مصداق ایفاء وعده

انجناب جوار حضرت امیر گریه وقت نزول آیت موجود بودند
 لیکن امن کامل و عدم خوف نیز در زمان ایشان حاصل نبود همیشه
 از افواج شام خوف و هراس لاحق عمال و لشکریان انجناب ماند
 و مع هذا حضرت امیر کفایت و لفظ جمع را بر یک کس حمل نمودن
 خلاف وضع الفاظ استعمال است و دیگر آنکه حق سبحانه تعالی
 درین آیت برای خلفاء موعودین لفظ جمع را سینده جا آورده است
 هیچ جا بلفظ مفرد تعبیر نفرمود اگر این چنین استعمال الفاظ برای تعظیم بغیر
 قرینه جایز داشته شود اعتبار کلی از وضع الفاظ برخیزد و هم بر معانی
 قرآن اعتماد ماند و هیچ حکم از احکام دین و شریعت ثابت نگردد و او
 دیگر بعد از حضرت امیر بودند عدم تسلط ایشان در زمین و عدم التمسک
 خوف از ایشان نزد فریقین بر ظاهر است حاجت تحریر نرسد اردو
 و جواب دیگر آنکه خلافت در آیت مذکور مثل خلافت ائم انبیاء
 سابقین موعود است چنانچه ارشاد فرمود کما استخلف

کرم حق سبحانه تعالی وعده انگسان را کرده است که در زمانه جناب
 رسالت مآب صلی الله علیه و سلم وقت نزول این آیه موجود
 بودند و غیر موجودین در وعده این آیت داخل نمیشوند و بالقرن
 و التقدر اگر مراد عام باشد تا هم مطابق نبی آید زیرا که حضرت
 امام حسن رضی الله عنه بعد از شش ماه از شهادت حضرت علی
 کرم الله وجهه و خلیف خلافت نموده گوشه نشینی اختیار فرمودند و حضرت
 امام حسین سید الشهدا رضی الله تعالی عنه از دست ظالمان مظلوم
 شهید شدند و حضرت زین العابدین و دیگر امامان رضوان الله
 علیهم همین کس در ایشان هم غلیظه نبوده است پس نزد اهل تشیع
 اگر مصداق این آیت خلافت خلفاء راشدین مهدیین رضوان الله
 علیهم همین نیست پس کدام زمانه و کدام کس مصداق این آیت است
 بَشَرًا مِّنْ ذُلِّ الْأَوَّلِينَ وَ آخِرُهُمْ وَ بِالْأَوَّلِينَ وَ آخِرُهُمْ
 که مراد حضرت امیر است و صیغه جمع برای تعظیم و یا حضرت امیر و اولاد

شام خوف و هراس لاحق ماند خلافت آنجناب چگونه ثابت می شد
 گویم خلافت حضرت امیر نرزدینان ثابت است زیرا که حق سبحانه و تعالی
 وعده از آن خوف از کفار نموده است و افواج شام و قوایل اسلام بودند
 و جنگ و جدال فیما بین اهل اسلام واقع شده بودند با کفار
 حضرت امیر نرزدینان مصداق آیت با خوبی می تواند شد
 لیکن نزد اهل تشیع خلافت آنجناب ثابت نمیگردد زیرا که افواج
 شام را نسبت کفری سازند ازین جهت نزد ایشان از آن خوف
 از کفار نگردد و مصداق آیت نمی تواند شد اگر کسی گوید که زمانه
 خلفا مصداق این آیت هم نمی تواند شد زیرا که از قول تمام
 وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ
 معلوم می گردد که کسی خلیفه چنان خواهد بود که کفران و ناسپاسی
 این نعمت خواهد ورزید و نرزدینان کسی خلیفه کفران این
 نعمت نکرده است جواب این احتمال قوی تواند بود که لفظ من هم

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ أَكْزَمَ أَنْ يَخْلُفَ مُوَعَدَهُ وَارَادَ أَنْ يَكُونَ
 بَلْكَ غَضَبٍ كَمَا نَزَّاهِلُ تَشْيِيعِهِ شَبَّهَ بِمُطَابِقِ نَحْيِ أَهْلِهِ
 زِيرَاقِ غَضَبٍ دِرْخِلَافَتِ اَمِّ سَابِقِينَ وَاقِعِ نَشْدِهِ هَسْتِ بَلْكَ عَلَ
 اَلْاَصَالِ بُوْدِهِ هَسْتِ اِپْسِ اَزِیْنِ مَرَادِ كَرَفْتِ تَخَلُّفِ دِرْوَغِهِ
 حَقِّ سَبَّاحَةِ تَعَالَى لَازِمِ مِی آید وَ اَكْرَمِ كَسَمِ كَویدِ كِه مَرَادِ حَضَرَتِ اِمَامِ
 مَهْدِی سَسْتِ جَوَابِشِ هِمَانِ هَسْتِ كِه بِلَا اَمْدِ كُورِشْدِ كِه اَنْجَنَابِ فَرُودِ
 وَ اَحَدِ هَسْتِ وَ اَطْلَاقِ جَمْعِ بَرِ وَ اَحَدِ جَا یَزِیْنِیْسْتِ وَ هِمِ دِرْ وَ قَتِ
 نَزْوَلِ آیتِ مَوْجُوْدِ بُوْدِ مَحْتَمَلِی كِه هِنُوزِ دِرْ وَ جُوْدِ اِیْشَانِ اَخْتِلَافِ اَسْتِ
 وَ هِمِ نَزْوَالِ تَشْيِيعِهِ مَخْفِی هَسْتِ مَحْتَمَلِی سَبَّاحَةِ تَعَالَى خِلَافَتِ مَوْعَدِهِ عَلِی حَبِی
 تَشْبِیهِ بَا اَمِّ سَابِقَةِ بَیَانِ فَرُودِ وَ دِرْ اَمِّ سَابِقَةِ كَسَمِ خَلِیفَةِ مَحْتَمَلِی بُوْدِهِ اَسْتِ
 اَنْجَنَابِ چَكُونِه مَصْدَقِ اِیْنِ آیتِ مِی تَوَانِدِشْدِ اَكْرَمِ كَسَمِ كَویدِ كِه حَضَرَتِ
 عَلِی كَرَمِ اللّهِ وَ جِهَةِ نَزْوَسْتِ اِیْنِ خَلِیفَةِ چَارَمِ اَنْدِ وَ اَزِ خِلَافَتِ حَقِّ سَبَّاحَةِ تَعَالَى
 وَ عَدِهِ اَزِ اَلْخَوْفِ فَرُودِ اَسْتِ وَ چُونِ اَنْجَنَابِ هِمِشِه اَزِ اَنْوَاجِ

اگر زید را ده پسر بودند و بعض از ان کس قتل نمود میتوان گفت که
 پسران زید فلان را قتل نمود حال آنکه مرکب فعل المضارع شدند و در صورت
 حل بین بیان و استخلاف بمعنی توطن گرفتن قید و محالو الصالحات
 لغوی افتد زیرا که توطن در زمین چنانچه صلح را حاصل است
 فاسق را نیز بلکه زیاده و خوب تر بلکه قید ایمان هم عبث است زیرا که کفار را
 نیز توطن در زمین حاصل است و کلام لغو در قرآن محال است و فیما
 ذکر کفایه و لا هزل البصر هیهات و الهادی می هو الله تعالی
 پس التماس بعالی نعمت انصاحبان که باراده جواب نویسی قلم برد
 اولاً احتقاد و عناد را و اگر داشته و طرف داری و نفسانیت بر طرف
 داشته عدل و انصاف را از دست ندهند تا که در زمره مجرّمون
 الکلمه عن مواضعه و نخل نشوند چرا که کلام در معانی قرآن است
 که نزد فریقین مدار ایمان است نه چنانکه قصد تسویم کاخذ دارند
 مطابق و موافق سوال افتد یا نه افتد و آخر دعوانا ان الحمد لله

در قوله تعالى بودی یعنی و من کفر بهم بعد ذلک
 قال لیس هم الفاسقون و این چنان وارد نشده است
 این احتمال چگونه تواند شد و معنی از صلاحیت و خلوص عباد
 ایشان که خالی از ریا و شرک باشد حق سبحانه تعالی خود خبر داد که
 یعبدونی لا یشرکون بی شئیگا و دیگر آنکه حق سبحانه تعالی
 آنسانرا که وعده عطا کرد و غنائم کثیره فرموده است و وعده هدایت
 نمودن ایشانرا هم ارشاد فرمود که ویهدیکم صراطا مستقیما
 وارد شده است و غنائم کثیره بعد جناب رسالت مآب صلی الله علیه
 و سلم بجز خلفا کس را مایل نشد کفران و ناسپاسی از ایشان چگونه تصو
 خواهد شد الغرض از بن آیت صاف معلوم میگردد که فساد و ناسپاسی
 اشخص غیر صادر خواهد گردید و اگر کسی گوید که من برای بیان است
 برای تبیین نیست و اختلاف بمعنی توطن در زمین است گویم مفاد
 من بیانیه در اینجا بغیر اختلاف بمعنی توطن مفاد من بعضیه است زیرا که

رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا خَيْرِ
 خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَعِزَّتِهِ وَأَسْرَ وَاجِهِهِ
 أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَخُلَفَائِهِ أَجْمَعِينَ

قطعه تاریخ تالیف سالہ از تیلج افکار جناب شاہ محمدی حسنا سالہ بدتعالی

مدلل است ای محیی قرآن کلام حق
 بیانگر الہامی داری ایقان کلام حق
 رقمزد مسکت منکر بر بیان کلام حق

کلام النفع تالیف عظیم ضل کمال
 غلات این سالہ موجب کمال
 دیر کلان درت سلک مسالہ انشأ

۸۹ ۱۲ ہجری

یعنی محمد مروت و اصحاب سہ و علیہ بیابان الیریں و حافظہ طالع النہین سہم سدقائی



مستقر شاه ولی الدار صاحب نظر مولوی صاحب علی صاحب کدرے بت تک او میں مخالف ہم کو کون کہنا یا گیا تھا یہاں

اد کا نہ حال و نفس اور فاضل صاحب کلام
مقلدون کو معتقد بنی حال
میں کہ کو معتقد بنی حال
میں کہ کو معتقد بنی حال
میں کہ کو معتقد بنی حال
میں کہ کو معتقد بنی حال
میں کہ کو معتقد بنی حال
میں کہ کو معتقد بنی حال

نچای اور در صورتیکہ عمل میں اون چیزوں کو لا ما ہو کہ جن سے وہو اور کار فاسد
ہوئی ہی مذہب خفی میں تو ہرگز اقدہ او کی خفی کو جائز نہیں ہے جہتہ
صلوۃ خلف الشیعہ میں اس صورت میں عدم جواز لکھا ہو تو ایسی شخص کے
چھی تو بدرجہ اولی ایسی صورت میں نماز ناجائز ہوگی و اما الصلوۃ خلف الشافعیہ
فی اصل مافی الجہتی انہ اذ کان مریعا للشریط والارکان عندنا ما لا افتداریہ صحیح
علی الاصح ویکرہ والا فاصح اصلا ولا خصوصیتہ للشافعیۃ بل الصلوۃ خلف سبیل
مخالف للذہب کذلک کذا فی البحر الرائق والاکتفاء مشیر الی انہ لایکرہ الامۃ الشافعیۃ
لکن فی الزاہدی انہا کرمۃ و فی دتر الہیاتہ انہا غیر جائزۃ کما قال صدیق الاسلام
فالا حوطان لا یصل خلف کما فی الجواب و ہذا اذ اعلم بالاخترا عن مواضع الخلف
و لہ شک فی الاخترازم یجوز الاقتدار مطلقا کما فی النظم کذا فی جامع الترمذ اور جو
شخص کہ پایہ اجتہاد کو نہ پہنچا ہو او سکو استدلال بقرآن و حدیث کر کی عمل
کرنا نہ چاہی کیونکہ او سکو تقلید کسی مجتہد کی مجتہدین میں سی چاہی اور استدلال
قرآن و حدیث سی منافی تقلید ہے فی شرح التحریر عن المجتہد المطلق یلزم تقلید
مجتہد امن المجتہدین المطلقین فی ایضاً فیہ المقلید العمل بقول من سبیل قولہ
احد کے الحج الرابع بالاعتماد علی قائمہ بلا استدلال من جہت من احد الحج فلیسر
الرجوع الی البنی علی ابدیکہ و لم ولا رجوع الی الاجماع من المقلید لا رجوع الی مجتہد
و احد اعلم و علم انہ

پس جا جا جای یہ فرقہ کرا میر کہ جو مقلد ہے
کرا میر کہ جو مقلد ہے
کرا میر کہ جو مقلد ہے
کرا میر کہ جو مقلد ہے
کرا میر کہ جو مقلد ہے
کرا میر کہ جو مقلد ہے
کرا میر کہ جو مقلد ہے
کرا میر کہ جو مقلد ہے

مستقر شاه ولی الدار صاحب نظر مولوی صاحب علی صاحب کدرے بت تک او میں مخالف ہم کو کون کہنا یا گیا تھا یہاں

مستقر شاه ولی الدار صاحب نظر مولوی صاحب علی صاحب کدرے بت تک او میں مخالف ہم کو کون کہنا یا گیا تھا یہاں

۲

[illegible]